

## نقطه چین؛ پایان تنهایی

تنهایی و عادت...

عادت کردن از آن خصایص خوب و کارآمد انسان‌هاست. یک ویژگی منحصر به فرد که اگر نداشتیم، تحمل بسیاری از لحظات و شرایط زندگی سخت و شاید غیرممکن می‌شد.

گاهی با نگاه به احوال زندگی برخی افراد با تعجب از خود سؤال می‌کنیم که چگونه می‌تواند چنین شرایطی را تحمل کند؟ اما اگر به هر دلیلی ما هم در آن موقعیت قرار بگیریم، به مرور زمان تطبیق با آن شرایط را یاد می‌گیریم و موجب تعجب دیگران می‌شویم. این مثال را در مورد تنهایی آدم‌ها هم می‌توان بسط داد چون تصور می‌کنیم که تنها بودن وضعیتی دشوار است و طاقت فرسا، اما می‌بینیم که این آدمیزاد یاد گرفته به هر چیزی عادت کند و خود را با آن وفق دهد، حتی تنهایی... حتی عادت به محصور شدن در زندانی خود ساخته یا واقعی: عادت کردنی که به معنای تحمل است و نه احساس رضایت!

عادت می‌کنیم به خیلی چیزها از جمله تنهایی، و این تنهایی را تحمل می‌کنیم تا وقتی که امیدی هست به فردا و روزه‌ای که «چنین نخواهد ماند!». درست مثل درد می‌ماند که وجودش در ما معنای زندگی و زنده بودن دارد و دلخوشی می‌دهد که چون درد هست، درمانش نیز هست. وای به آن روزی که درد را حس نکنی یا تنهایی آزارت ندهد!

آن موقع است که یک مرحله از درد تنهایی فراتر می‌روی و دردش را حس نمی‌کنی. این نگران کننده است و تحت هر شرایطی نباید رخ دهد.

عادت کردن، تنهایی و درد تا وقتی حضورشان را حس کنی و با امید به فردایی دیگر نظاره‌گرشان باشی، قابل تحمل‌اند و در آن صورت است که هنوز توانسته‌ای خصلت انسانی‌ات را حفظ کنی. عادت کردن به تنهایی آدم را صبور هم می‌کند مثل آن که یادگیری حرف‌ها و رفتار دیگران را با حوصله گوش دهی و نظاره‌گر باشی، بی‌آن که عکس‌العملی سریع و بدون فکر نشان داده باشی. دیگر تحمل رفتارهای عجیب، خودپسندانه و بی‌منطق دیگران به دشواری قبل نیست. کمی راحت‌تر رخ می‌دهد و ساده‌تر از کنارش می‌توان گذشت. مثل آبدیده و پخته شدن، مثل بزرگ شدن!

کتاب حاضر چنین حال و هوایی داشت. تجربه قهرمانان داستان در مواجهه با تنهایی، فرصت اندیشه، عادت کردن و سپس قضاوت دیگران. شاید اگر به هر دلیلی در موقعیت‌هایی از این دست قرار بگیریم رفتار و عکس‌العملی متفاوت از خود بروز دهیم اما نگاه به این موضوع از زاویه دید نویسنده تامل برانگیز است.

همراهش شوید و نگاهش را تجربه کنید!

بهمن رحیمی

مهرماه ۱۳۹۶ — تهران